

عنوان مقاله:

نمادهای طبیعت در شعر اخوان و بدر شاکر السیاب

محل انتشار:

نخستین همایش ملی ادبیات فارسی و پژوهشهای میان رشته ای (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

ابراهیم محمدی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

عبدالرحیم حقدادی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

مرضیه ماهوکی - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

خلاصه مقاله:

توجه به طبیعت همواره در شعر شاعران دیده می شود، اما برخی از شاعرانی که نگاه سمبولیک به طبیعت دارند، معتقدند در ورای هر چیزی در طبیعت رازی نهفته است. در شعر معاصر فارسی و عربی به خاطر شرایط سیاسی، فرهنگی مشابه، وصف طبیعت یکی از مضامین مشترک است. طبیعت و نمادهای طبیعی از جمله برف، باران، گل ها و ... در شعر معاصر فارسی و عربی از جمله در شعر نیمای، اخوان، شاملو، بدر شاکر السیاب، آدونیس، جبران خلیل جبران و ... کارکرد نماد شناختی پر رنگی دارد. اخوان در اشعار برف، زمستان، آنگاه پس از تندر، باغ من، اندوه، آواز چگور و ... با استفاده از این نمادها، سروده های سمبولیستی قابل توجهی خلق کرده است و در قالب آن ها افکار سیاسی - فلسفی خود را به خوبی به تصویر کشیده است. در شعر معاصر عربی نیز السیاب برای گریز از تنهایی و ناامیدی به طبیعت پناه می برد و در اشعار انشوده المطر، احتراق، صیاح البط البری، سفر ایوب از این نمادهای طبیعی برای بیان دغدغه های اجتماعی عصر خود بهره برده و تصویری از جهان دلخواه خود ارائه کرده است. گرچه در زمینه بررسی تطبیقی طبیعت گرایی در شعر شاعران معاصر فارسی و عربی آثاری نوشته شده است اما این موضوع در شعر اخوان ثالث و بدر شاکر سیاب بررسی نشده است. مقاله حاضر به بررسی کارکرد نمادشناختی طبیعت و نمادهای طبیعی در شعر این دو شاعر می پردازد. تحلیل چگونگی استفاده از این نمادهای طبیعی برای بیان مقاصد مختلف و تبیین تفاوت های موجود و دلایل آن، می تواند کارکرد نماد شناختی طبیعت را در شعر معاصر فارسی و عربی بیشتر تبیین کند.

کلمات کلیدی:

ادبیات فارسی، ادبیات عربی، ادبیات تطبیقی، طبیعت، اخوان ثالث، بدر شاکر السیاب

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/168324>

